

## انگلستان در پشت صحنه توطئه های نظامی

اسرائیل علیه ایران، نقش ایفاء می کند

اسرائیل در تدارک  
ضربه اتمی به ایران!

منبع: "Neue Solidaritat"

ترجمه و تنظیم: ر. زادفر

جنجال نوینی، که به بهانه بازدید از تاسیسات نظامی دولت عراق برپا شده، بی شک نمی تواند بی ارتباط با توطئه های صهیونیسم، اسرائیل و امپریالیسم امریکا علیه ایران و تمامیت ارضی آن باشد. آن شناختی که تاکنون برای همه ما ایرانی ها خدشه ناپذیر بوده، نقش ایالات متحده امریکا در حمایت و همکاری همه جانبه با اسرائیل بوده است. این شناخت به گونه ایست، که راستگراترین جناح حکومتی در جمهوری اسلامی، که آشکارا متمایل به روابط پنهان و آشکار با انگلستان است، از آن سوء استفاده کرده و بی وقته انگلستان را از این نظر، از زیر ضربه بیرون می کشد. (غفلت مطبوعات جناح چپ مذهبی و نثریات و مطبوعات غیر حکومتی، در این عرصه نیز برخاسته از همین واقعیت است.) شاید مطلبی که در زیر می خوانید، نقشی انگلستان را در ماجراهای جدید چنان برجسته کرده باشد، که نقش مهم و کلیدی امریکا، تا حدی به حاشیه رانده شده باشد، اما نقطه نظرات مستندی که در آن عنوان می شود، خود حد و حدود واقعیات مربوط به نقش امپریالیسم کهنه کار انگلستان را، در رویدادهای منطقه تعیین می کند. نقشی که می تواند با سرنوشت تمامیت ارضی ایران، نابودی بخشی از ایران و تلفات سنگین و تاریخی همراه شود.

راه توده، از بدو انتشار دوره دوم خود، پیوسته بر نقش و موقعیت اسرائیل در منطقه و جهان تاکید کرده و توجه همه میهن دوستان و نیروهای ملی و مترقی را نسبت به آن جلب کرده است. براساس همین شناخت و برداشت، که ما اعتقاد داریم توسعه پایگاه های نظامی اسرائیل در ترکیه، آذربایجان و در شمال عراق گام های بسیاری جدی اسرائیل و صهیونیسم برای تبدیل خاورمیانه به مستعمره این کشور نژادپرست است. نفوذ مالی تعیین کننده صهیونیسم جهانی و اسرائیل بر بورس های بزرگ جهان، شرکت های عظیم نفتی-تسلیماتی و تسلط آن بر بزرگترین شبکه های تلویزیونی و مطبوعاتی اهرم های بزرگی است که اسرائیل برای این سیاست خود در اختیار دارد. براین امکانات، باید بهره گیری تسلیماتی-فنی اسرائیل از فروپاشی اتحاد شوروی را افزود. صدها کارشناس ممتاز جهانی، که در تاسیسات پیچیده و الکترونیک نظامی اتحاد شوروی کار می کردند و بزرگترین کارشناسان اتمی این کشور، بصورت سازمان یافته و به بهانه های گوناگون (از جمله بازگشت یهودیان به اسرائیل) به این کشور منتقل شدند. این امکان عظیم مغزی، به اسرائیل امکان داد تا در سازهایی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به تسلیمات پیچیده نظامی، اتمی، فضائی و ماهواره ای دست یابد. همین اهرم ها و امکانات، در کنار نفوذ مالی صهیونیسم جهانی بر بانک جهانی، صندوق بین المللی، بورس ها و... است، که امروز به اسرائیل جسارتی در حد توطئه "ضربه اتمی" به ایران را داده است!

روز ۱۲ نوامبر، "لیندون لاروش" (۱)، رهبر یکی از جناح های حزب دمکرات امریکا، در یک مصاحبه رادیویی گفت که خاورمیانه و خاور نزدیک، در آستانه یک مقابله هسته ای قرار دارد. او تلویحا اشاره کرد، که نخست وزیر اسرائیل، "تانیاهو"، در تدارک یک سناریوی تیرد سرنوشت (۲) و مقابله هسته ای در منطقه بسر می برد. "لیندون لاروش"، البته برای آنکه از بار نقش دولت امریکا در این فاجعه بکاهد، گفت: سرنخ تانیاهو در لندن است! و ماجراجویی خطرناکی که نخست وزیر اسرائیل دنبال می کند، بحران کویبا، در سال ۱۹۶۲ را بین امریکا و اتحاد شوروی تداعی می کند.

صرفنظر از پیوندهای انکار ناپذیر اسرائیل و امریکا، نکاتی که توسط "لیندون لاروش" مطرح می شود نیز، در نوع خود، واقعیتی را در ارتباط با سیاست های جدید انگلستان در جهان و پیوندهای صهیونیسم با انگلستان دربر دارد. آنچه که او مطرح می کند، شاید کمی اغراق آمیز بنظر برسد، اما بهر حال نکاتی است، قابل توجه:

«گروه های قدرتمند در الیگارشسی انگلستان، تصمیم دارند با راه انداختن یک رویارویی هسته ای در خاورمیانه، کنترل مجدد خود بر سیاست بین

المللی را، که به واسطه بحران مالی جهانی و عقد "قرارداد همکاری استراتژیک" بین امریکا و چین به مخاطره افتاده است، احیاء کنند.»

لاروش معتقد است، که مجادله اخیر بین عراق و بازرسان تسلیماتی سازمان ملل، روحیه رویارویی در منطقه را تقویت کرده و زمینه را برای ایجاد بحرانی نظیر بحران ۱۹۶۲ کویبا آماده می سازد. جرقه شروع این بحران، به سادگی با اجرای یک یا چند عملیات هدایت شده تروریستی علیه اسرائیل - حتی با همکاری خود اسرائیل - می تواند زد شود. جرقه ای که بلافاصله آن را متوجه ایران و عراق خواهند کرد. در چنین وضعیتی است که "تانیاهو" تصور می کند، خواهد توانست علاوه بر غلبه بر بحران حکومتی خویش، حمایت افکار عمومی اسرائیل و جهان را آماده این ماجراجویی کند. البته، در این وضعیت فرضی، "تانیاهو" مستقیما و بلافاصله دست به حمله نخواهد زد، بلکه با تهدید به ضربه هسته ای (که مطبوعات اسرائیل بصورت شایعات و بصورت هدایت شده آنرا منتشر ساخته اند) احتمالا عملیات نظامی معینی را علیه اهدافی در عراق و ایران اجرا خواهد کرد. (مانور مشترک نظامی با ارتش ترکیه و در اختیار گرفتن پایگاه نظامی در این کشور، از جمله با همین اهداف هماهنگ است)

لاروش، معتقد است، که بحران اتمی از خاورمیانه سر چشمه نمی گیرد، بلکه این الیگارشسی انگلستان است که با استفاده از کنترل دیرپای خود بر نیروهای افراطی و تروریستی در اسرائیل و کشورهای منطقه، به فتنه جویی پرداخته است.

## پیشگویی ها

اظهارات متعدد مقامات عالی رتبه و سیاستمداران با نفوذ انگلستان، فردا به این نکته هدایت می کند که بروز یک بحران اتمی در خاورمیانه، برنامه ریزی شده است. "گنت هیودوکرسی"، ژئوپولیتیکر و از نخبگان سیاسی انگلستان و عضو یکی از خانواده های وابسته به خانوان سلطنتی انگلستان است. با وجود آنکه وی ظاهرا در دستگاه امنیتی انگلستان عضویت ندارد، اما از جمله اعضای "گاردهای قدیمی" است. (۴) این گروه، یکی از گروه های اصلی گرداننده پشت صحنه سمت گیری های استراتژیک سیاست جهانی انگلستان بشمار می آید. خبرنگار این گروه، بنام "Office Brief Special"، اخیرا، همانند سال ۱۹۹۱ که بروز جنگ خلیج فارس را پیش بینی کرده بود، از به راه افتادن جنگ جدیدی در خاورمیانه خبر می دهد.

"دوکرسی" به یک منبع موثق گفته است، که روسیه به ایران و سوریه، که دشمن اسرائیل هستند و قصد حمله به آن را دارند، تکنولوژی تسلیمات هسته ای منتقل می کند. در مقابل با این آماده سازی اتمی، انگلستان می بایستی آماده باشد تا علیه اتحاد "روسیه-ایران-سوریه" یک جنگ را هدایت کند. اما این کار تنها وقتی امکان پذیر است، که امریکا با زرادخانه عظیم اتمی خود، به عنوان متفق انگلستان وارد عمل شود. انگلستان می بایستی امریکا را به سوی جنگ سوق دهد. اما اگر امریکا در ورود به این ماجرا تاخیر کند، "تانیاهو" می تواند "ضربه هسته ای اولیه" را وارد کند.

علاوه بر اینها، "دوکرسی" ادعا می کند که چین به روسیه فشار وارد خواهد آورد تا به صورت فعال در اتحاد نظامی فرضی ضد اسرائیلی وارد شود، تا از بحران متعاقب آن استفاده کرده و به سیرری و مناطق خاور دور روسیه یورش ببرد.

اظهارات "دوکراسی" نبایستی کم اهمیت ارزیابی شود. او به گروه "پروتستان-بنیادگرا"ی (۵) یهودیان انگلستان تعلق دارد که در الیگارشسی انگلستان از نفوذ فوق العاده ای برخوردار می باشد. از طریق این گروه، متخصصان جاسوسی و امنیتی انگلستان گروه های راست افراطی اسرائیل را تحت کنترل دارند. این گروه های افراطی یهودی، از خرابکاری در روند صلح خاورمیانه توسط تانیاهو حمایت می کنند. این گروه ها محل تجمع و سازماندهی متعصبین و افراطیون است که در قتل اسحاق رابین، نقش داشتند.

ارتباط تنگاتنگ "دوکرسی" با "جنبش حقوق عیسوی" (۶) نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. این تشکیلات یک جنبش توده ای اعتراضی-بنیادگرا در امریکاست. (پسر "دوکرسی"، ژوزف، مقیم واشنگتن است و خبرنگار موسوم به "Intelligence Deigest" را منتشر می کند، که در میان محافل افراطی راستگرای مخالف کلینتون، از نفوذ قابل توجهی برخوردار است.)

"دو کرسی" توضیح می دهد که در صورت سرریزیدن کلینتون از ایفای نقش در سناریوی خاورمیانه - که احتمال آن کم نیست - می بایستی از این جنبش تحت کنترل انگلستان که در امریکا ۶۰ میلیون نفر عضو دارد، استفاده کرده و این توده را در جهت جنگ به حرکت در آورد.

یکی از محتمل ترین آنها، حمله و یا ضربه ای به اسرائیل از سمت لبنان است که به راحتی به حزب الله مستقر در جنوب لبنان نسبت داده خواهد شد. در فرهنگ ژئوپولیتیک خاور نزدیک، این عملیات به معنی مسئولیت ایران در تروریسم تبلیغ خواهد شد. هنگامی که نتیجه عملیات به اندازه کافی شدید باشد، نتایج خواهد توانست از آن به عنوان بهانه ای برای آغاز عملیات نظامی استفاده کند، و همزمان، همه کسانی که امروز در اسرائیل مخالف او هستند را به صف طرفدارانش اضافه کند.

### فتنه انگیزی انگلستان

روزنامه اسرائیلی "معاریو"، در ادامه زمینه سازی در افکار عمومی برای سیاست های نتانیاهو، برای حمله نظامی به ایران، می نویسد: نتانیاهو در حال بررسی اجرای یک "ضربه بازدارنده" علیه ایران است، زیرا شواهدی در دست است که ایران در حال ساختن بمب اتمی است. این روزنامه می نویسد: «دولت اسرائیل آماده است تا در صورت ضرورت "خطر ایران" را با استفاده از سلاح هسته ای خنثی کند». وزیر دفاع اسرائیل، اسحاق مردخای تهدیدات مشابهی را در گفتگو با "هفته نامه دفاعی جینس" (۱۲) چاپ انگلستان ابراز نموده است. از دیگر سو، در میان مردم اسرائیل ماسک های ضد گاز و داروهای تزریقی ضد گاز سی توزیع می شود، که همه اینها، برنامه ایست برای آماده سازی افکار عمومی اسرائیل برای ماجراجویی های نظامی دولت اسرائیل علیه ایران.

"استانلی گلدنفود" (۱۳) یک راستگرای افراطی مذهبی و از وابستگان بنیاد "تمپل برگ" در اورشلیم، در مصاحبه ای گفت: «امریکا ضعیف شده است. طی ۷ سال نتوانسته ایم صدام حسین را سر جای خودش بنشانیم. گریه را باید جلوی حمله کشت: اسرائیل بایستی با اجرای یک ضربه بازدارنده، ابتکار عمل را بدست گیرد. می بایستی کار به مقابله هسته ای برسد. اسرائیل می بایستی در رابطه با سوریه از عملیات نظامی استفاده کند.» بنیاد تمپل برگ آقای گلدنفود "تا بحال تلاش هائی انجام داده است تا مسجد "حرم الشریفین" در اورشلیم را، که یکی از مقدس ترین اماکن مذهبی مسلمانان است، تخریب کند. همزمان گروه تروریستی "جهاد اسلامی" با عملیات بمب گذاری تازه اش، امنیت اسرائیل را مورد تهدید قرار داده است.

مجموعه این تهدیدات و عملیات، منطقی می تواند آتش فتنه بزرگی را بیافریند که نیروهای صلح طلب و نیروهای سیاسی دوراندیش در خاور نزدیک بعید است از عهده پیشگیری آن برآیند. متأسفانه، یاسر عرفات، هم از نظر جسمی و هم از نظر سیاسی در موقعیت دشواری قرار گرفته است. در صورتی که موج جدیدی از عملیات تروریستی بدست افراطیون فلسطینی برآید، او نخواهد توانست نقش متعادل کننده را ایفاء کند. این نکته ایست که هم انگلیس و هم دولت اسرائیل از آن اطلاع دارند و نقشه های خود براساس آن پیش می برند!

### تحریم اقتصادی "کوبا"

مجمع عمومی سازمان ملل، برای ششمین سال متوالی، با صدور قطعنامه ای، تحریم اقتصادی ۳۵ ساله کوبا، از جانب ایالات متحده را محکوم کرد. سازمان ملل، با ۱۴۳ رای موافق، ۱۷ رای ممتنع و ۳ رای مخالف، تحریم اقتصادی کوبا، بویژه قانون "هلمز-برتون" را مغایر قوانین بین المللی دانست.

به گفته "ریکاردو آلاکران"، سخنگوی مجلس ملی کوبا، امسال نه تنها آراء مخالف تحریم افزایش یافت، بلکه خطوط جغرافیائی و اقتصادی را نیز در نوردید. بعنوان مثال، ژاپن که در گذشته به قطعنامه های مشابه رای ممتنع می داد، امسال موضعش را تغییر داده و به آن رای مثبت داد.

"آلاکران" طی سخنرانی در مجمع عمومی گفت: «گرچه خود سری آمریکا در رابطه با کوبا به اوج می رسد، واشنگتن در سال های ۹۶-۱۹۹۲ بیش از ۶۱ مورد تحریم اقتصادی علیه ۳۵ کشور مستقل را اعمال کرده است.» او پیش بینی کرد که تحریم اقتصادی کوبا، بعلا تناقضات درونی آن و مخالفت جهانی با آن، بزودی فرو خواهد ریخت.

در شش سال گذشته، هزینه اضافی حمل و نقل تجارت کوبا با اروپا بالغ بر ۲٫۵ میلیارد دلار بوده است.

نتانیاهو استعداد ویژه ای برای به جان هم انداختن مخالفانش دارد. او از این استعداد خویش بطور سیستماتیک استفاده می کند. از سوی دیگر، او با جلب حمایت حوزه های قدرتدار در بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده، موقعیت خود را تحکیم ساخته است. او در امریکا از حمایت متعصبین ضد کلینتون در حزب جمهوریخواه (مانند سناتور نیویورک "آلفونسو دآساتو") (۷) و نیز فراکسیون ای سازمان یهودیان امریکائی و جنبش حقوق عیسوی برخوردار است.

در این میان، وضعیت سیاسی داخلی اسرائیل بسیار قطبی شده است. طی مراسم دومین سالگرد ترور رابین، بیش از ۲۰۰ هزار نفر در "تل آویو" به نفع تحرک بخشیدن به روند صلح خاورمیانه راهپیمائی کردند. رهبران اصلی حزب کارگر و دیگر احزاب صلح طلب تقاضای استعفا ی نتانیاهو را مطرح کردند. حتی در حزب خود او "لیکود"، نتانیاهو با مقاومت رهبران سنتی حزب روبروست، که از تلاش او برای برقراری دیکتاتوری بر حزب و دولت وحشت دارند. اساس قدرت نتانیاهو نه در حزب لیکود، بلکه بر حمایت مجموعه ای از احزاب کوچک مذهبی-نژادپرست- راست افراطی استوار است. برخی از این گروه های فاشیستی مخلوقات حوزه های قدرتدار در انگلستان، امریکا، کانادا و استرالیا هستند.

### ارتباط های انگلیسی- امریکائی

کلینتون سعی می کند خود را مخالف سیاست های نتانیاهو نشان دهد. برای همین هدف، او با نتانیاهو، که به منظور سخنرانی در مجمع سازمان های یهودی امریکائی در "آیندیاناپولیس" به امریکا سفر کرده بود، ملاقات نکرد. البته برخوردی از اینگونه در امریکا و در ارتباط با اسرائیل سابقه ندارد و به همین دلیل نیز این نمایش، خیلی زود مورد توجه قرار گرفت. در انگلستان، اما وضع به گونه ای دیگر به نمایش گذاشته می شود. نتانیاهو در انگلستان با آغوش باز استقبال می شود. نه تنها نخست وزیر انگلستان "تونی بلر"، بلکه وزیر خارجه و وزیر خزانه داری این کشور نیز با او ملاقات کردند. وی همچنین با رهبران اپوزیسیون از احزاب "لیبرال دموکرات" و "محافظة کار" نشست هائی ترتیب داد.

نتانیاهو، که او را فاشیست کوچک می شناسند، در این جو پرتنش، کنترل خود را بر نخبگان، سران ارتش و دستگاه امنیتی اسرائیل تثبیت کرده است. او می خواهد به تنهایی مقام فرمانده عملیات زرادخانه اتمی اسرائیل را کسب کند. از این حقیقت "ماکسیم گیلان" (۸) در مقاله ای، در شماره جدید مجله "اسرائیل و فلسطین" پرده برداشته است. گیلان چهره شناخته شده سیاسی و اجتماعی اسرائیل، در این مقاله چگونگی روند سیستماتیک تسلط نتانیاهو بر دستگاه امنیتی اسرائیل را شرح داده است. او تاکید می کند که رهبری دستگاه امنیتی اسرائیل بویژه ستاد کل- همچنان در اختیار افراد معقولی قرار دارد که فتنه جوئی های نتانیاهو را رد کرده اند. گیلان اضافه می کند که نتانیاهو برای اینکه به کلید استارت جنگ اتمی دست پیدا کند، به موافقت وزیر دفاع، رئیس ستاد کل، رئیس سازمان امنیت و رئیس جمهوری اسرائیل نیاز دارد.

در ماه های آینده، تمام این پست ها توسط افراد جدیدی اشغال خواهند شد. در اوایل سال آتی، دوره زمامداری رئیس جمهوری "عزرا وایزمن" پایان خواهد یافت. نتانیاهو، قصد دارد به هر شکل ممکن از انتصاب مجدد وایزمن جلوگیری کند. (این انتصاب در اختیار مجلس اسرائیل است) در مقابل نتانیاهو، از کاندیداتوری سخنگوی سابق مجلس اسرائیل "دوف شیلانسکی" (۹) حمایت می کند که نقطه نظرهای افراطی او مشخص می باشد. همچنین رئیس ستاد کل نیز تغییر خواهد کرد و در اینجا نیز، نتانیاهو از "عقاب" شناخته شده، ژنرال "شانول موفاز" حمایت می کند.

نتانیاهو، همچنین تلاش می کند، رئیس "موساد" (سازمان جاسوسی اسرائیل) بنام "دانی یاتوم" را که در زمان تصدی "شیمون پسرز" نصب شده بود، وادار به استعفا کند. "یاتوم" می بایستی جای خود را به "ژنرال مه ایر داگان" (۱۱) بدهد، کسی که محدوده تخصصش در سرویس مخفی اسرائیل "عملیات قتل" می باشد. عزرا وزیر دفاع و رهبر حزب لیکود، "ژنرال مردخای"، و جانشین ساختن او با یک فرد گوش به فرمان، مورد نظر نتانیاهو قرار دارد.

با وجود اینکه پایان جنگ قدرت در اسرائیل، تحت شرایط عادی به چند ماه زمان احتیاج دارد، اما، در عین حال جو بحران موجود در خلیج فارس می تواند بدان سرعت بخشد! نقطه عطفی که این روند را تحت تاثیر قرار می دهد، نقش "فاکتور" انگلستان در پشت پرده است. پس از تصمیم گیری الیگارشی انگلیس، در برآه انداختن یک بحران شدید بین المللی دراز مدت و جنگ، دست های نامرئی از همه سو درگیری ها را فعال می کنند: سیاستمداران اسرائیلی و یا عرب، جاسوسان و تروریست ها، سپس فتنه ها آغاز خواهند شد.